

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده : محمود شاداب
۲۸ مارچ ۲۰۱۸

[پالیدنش آسان نیست]

بگذار تو کُنج و کاو ، فهمیدنش آسان نیست
ز هراست عزیز من ، نوشیدنش آسان نیست
بگذار برو جانا گلچیدنش آسان نیست
هرکس نتواند دید چون دیدنش آسان نیست
تخمیست محبت را، کاریدنش آسان نیست
اما چه توان کردن، رقصيدنش آسان نیست
بگذار چه می پیچی؟ پیچیدنش آسان نیست
سنگین و به تمکینست ، جنبیدنش آسان نیست
گفتم خبرت کردم ، دوشیدنش آسان نیست
حامی چو خداوند است، لغزیدنش آسان نیست
در ظرف نمی گنجد ، گنجیدنش آسان نیست
با کوشش و پالیدن ، پالیدنش آسان نیست
او را چه بترسانی؟ ترسیدنش آسان نیست

اسرار خداوند است ، سنجیدنش آسان نیست
این درد محبت را با دیده کم منگر
باغ است ز داغ دل این سینه مجروح
دل باطن خاصانست یک چهره پوشیده
دراصل و نسب هرچند، دهقان پسری، باشی
با آن که نگار من بسیار هنرمند است
بر نور سرت جانا دستار خلافت را
باشد به وقار خود چون کوه نگار من
بستان سحر دارد چون شیر تاباشیری
گر راهنمای ما لغزد همه می لغزند
یک نکته اهل دل صد چند همین دنیاست
در بین قبا خاصان پوشیده و پنهانند
در سینه دلی دارم کز توپ گریزش نیست